

Budget Deficit

کسری کم خواهد شد. به عبارتی، در بلندمدت با رونق و رکود اقتصادی تا حدودی کسری‌ها جبران می‌شوند. بنابراین، لازم است یک کسری بودجه تحت عنوان کسری بودجه چرخه‌ای محاسبه گردد (Gruber, 2012, p. 100).

پرداخت‌ها و درآمدها: نقدی یا سرمایه‌ای

وقتی دولت یک کالای سرمایه‌ای را به فروش می‌رساند (مانند یک ساختمان دولتی)، کسری بودجه می‌تواند به دلیل این افزایش درآمد کم شود. اما در واقع دولت سرمایه خود را از دست داده است. بنابراین، باید یک حساب برای ارقام سرمایه‌ای ایجاد کرد. البته چنین کاری در عمل با دشواری‌هایی مواجه است. برای مثال آیا باید مخارج آموزشی را به عنوان سرمایه‌گذاری تلقی کرد؟ (Gruber, 2012, p. 102). بنابراین، شاخص دیگری به نام کسری تراز عملیاتی که هزینه‌ها و درآمدهای سرمایه‌ای و مالی در آن نقشی ندارند، ارائه گردید که حاصل تفریق مجموع درآمدهای مالیاتی به علاوه سایر درآمدها (مجوزها و کارمزدها و حق دسترسی و...) دولت منهای هزینه‌های جاری او است. در این تعریف هزینه‌های عمرانی در نظر گرفته نمی‌شود. اگرچه هر روش اندازه‌گیری کسری بودجه چالش‌های خاص خود را دارد، اما در ایران دو چالش جدی وجود دارد. اولین چالش پرداخت‌های غیرنقدی دولت است. برای مثال، دولت برای تأمین بنزین ارزان بخشی از نفت خام را بدون دریافت مبلغی در اختیار پالایشگاه‌ها قرار می‌دهد و پالایشگاه‌ها بنزین را براساس قیمت مورد نظر دولت، توزیع می‌کنند. چالش دیگر، لحاظ کردن برخی ارقام مانند یارانه‌های نقدی خارج از بودجه دولت است.

عوامل مؤثر بر ایجاد کسری بودجه

پس از کینز بود که اساساً ایجاد کسری بودجه مورد توجه قرار گرفت. زیرا او به اثرات حقیقی مثبت سیاست مالی بر روی اقتصاد معتقد بود. از این منظر، کسری به این دلیل ایجاد می‌شود که دولت قصد ایجاد ثبات در اقتصاد کلان را داشته است. در مقابل، در چارچوب تحلیل‌های اقتصاد سیاسی، عوامل سیاسی مانند انتخابات پیش رو است که موجب افزایش مخارج

کسری بودجه به مازاد مخارج دولت بر درآمدهای آن در یک سال مشخص اطلاق می‌شود. بنابراین کسری بودجه با دو سمت درآمدها و مخارج مرتبط است. مخارج دولت‌ها در سه حوزه کلی مخارج سرمایه‌ای و مخارج مالی و هزینه‌های جاری است. در سمت درآمدها نیز مالیات‌ها، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی است. باتوجه به نوع مخارج و درآمد دولت، تعریف دولت، مسئله تورم و شرایط اقتصادی کسری بودجه به صورت متفاوتی اندازه‌گیری می‌شود.

اندازه‌گیری کسری بودجه

حسابداری نقدی یا تعهدی

«در سال ۱۹۹۱ تقریباً همه کشورها برای محاسبه کسری بودجه خود از حسابداری نقدی استفاده می‌کردند. اما پس از آن، برخی کشورها به سمت حسابداری تعهدی حرکت کرده‌اند» (Irwin, 2015). در حسابداری نقدی، زمانی درآمدها و پرداخت‌ها ثبت می‌شود که نقداً صورت پذیرد، اما در حسابداری تعهدی زمان پرداخت نقد مهم نیست، بلکه معیار، انجام یک پرداخت یا دریافت درآمد است و در زمان وقوع ثبت می‌شود.

مقدار واقعی یا اسمی

در گزارش مقدار کسری بودجه، لحاظ نرخ تورم و واقعی کردن ارقام می‌تواند مهم باشد. در کشوری که بخشی از بدهی دولت توسط خریداران اوراق قرضه دولتی تأمین می‌شود، تورم باعث می‌شود، مقدار دریافتی واقعی دارندگان اوراق کمتر از مقدار اسمی آن باشد. از این رو، در ارقام واقعی این نوع از درآمد باید در محاسبات لحاظ گردد که باعث می‌شود کسری بودجه کمتر از مقدار اسمی آن شود.

رونق و رکود

در شرایط رکود، تثبیت‌کننده‌های خودکار (مانند مالیات بر درآمد) باعث کاهش درآمد دولت و در زمان رونق باعث افزایش درآمد دولت می‌شود. نتیجه این تغییرات در درآمد دولت سبب تغییر در کسری بودجه می‌شود. یعنی در دوران رکود کسری افزایش و در دوران رونق با افزایش درآمد دولت،

دولت به منظور افزایش محبوبیت می‌شود.

(Mankiw, 1999).

آثار کسری بودجه

پس از کینز بررسی اثرات حقیقی سیاست مالی و به عبارت دیگر ایجاد کسری محل بحث بوده است. امروزه اقتصاددانان (Krugman, 2012, p. 226) موافق اثرات واقعی کسری بر خروج از رکود و ایجاد ثبات هستند، اگرچه برخی اقتصاددانان براساس دیدگاه برابری ریکاردویی (Barro, 1989) اثرگذاری سیاست کسری بودجه بر اقتصاد را رد می‌کنند. در جریان اصلی اقتصاد مطالعات بر روی آثار کسری بودجه بر روی متغیرهای کلان (مانند تورم، نرخ بهره، پس‌انداز ملی و رشد بلندمدت) و نابرابری متمرکز شده است. برخی اقتصاددانان معتقدند کسری بودجه در نهایت تبدیل به تورم می‌شود، اما در صورتی که محل تأمین بودجه از پایه پولی باشد، در مورد تورم‌زا بودن آن در صورت عدم رشد متناسب اقتصادی، توافق وجود دارد. البته ممکن است تورم بر ایجاد کسری مؤثر باشد. اگرچه برخی اقتصاددانان مانند بارو (۱۹۸۹) اساساً به اثرگذاری کسری بودجه بر روی تقاضای پول و مصرف معتقد نیستند.

آثار کسری بودجه بر روی نرخ بهره نسبتاً مناقشه‌برانگیز است (Gale and Orszag, 2003) ۳۰ مقاله اثر معنادار مثبت کسری بودجه بر روی نرخ بهره پیدا کردند و ۳۰ مقاله دیگر چنین رابطه‌ای کشف نکردند. در هر صورت به لحاظ نظری، بیشتر بودن مخارج از درآمد به معنای برداشت از منابع پس‌انداز شده است. در نتیجه یک رقیب برای قرض گیرندگان بخش خصوصی به وجود خواهد آمد که در مجموع، باعث کم شدن منابع پس‌انداز و در نتیجه افزایش نرخ بهره خواهد شد. تجمع کسری بودجه، همان بدهی دولت یا بدهی ملی است. کسری بودجه بیشتر امروز را باید نسل آتی بازپرداخت کند. این یعنی یک چالش درباره استقراض امروز و پس دادن آن در آینده وجود دارد که ممکن است موجب نابرابری بین نسلی شود (Romer, 2012, p. 629). درباره اثر اعمال سیاست کسری بودجه بر روی تقاضای کل و رشد بلندمدت باید گفت «براساس دیدگاه رایج در اقتصاد در کوتاه‌مدت تقاضای کل افزایش می‌یابد اما در بلندمدت اثر جایگزینی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و درآمد ملی کاهش می‌یابد» (Elmendorf and

کتاب‌شناسی

- Barro, R. J. (1989). The Ricardian Approach to Budget Deficits. *The Journal of Economic Perspectives*, 3(2), 37 - 54.
- Elmendorf, D. W., and Mankiw, N. G. (1999). Government Debt. In J. Taylor and M. Woodford (Eds.), *Handbook of Macroeconomics* (Vol. 1C, pp. 1615-1669). Elsevier.
- Gale, W. G., and Orszag, P. R. (2003). Economic Effects of Sustained Budget Deficits. *National Tax Journal*, 56(3), 463 - 485.
- Gruber, J. (2012). *Public Finance and Public Policy* (4rd ed.). Worth Publishers.
- Irwin, T. C. (2015). Defining the Government's Debt and Deficit. *Journal of Economic Surveys*, 29(4), 711 - 732. <https://doi.org/10.1111/joes.12123>
- Krugman, P. (2012). *End this Depression Now!* Norton.
- Romer, D. (2012). *Advanced Macroeconomics* (4rd ed.). McGraw-Hill.

زهرا میلا علمی

دانشگاه مازندران